

تحلیل و بررسی سلیم بن قیس و کتاب وی در میان متون؛ حقیقتی پنهان یا تحریفی آشکار*

محمد شهبازیان^۱

چکیده

مهدویت آموزه اصیلی است که پیشینه گزارش دهی از آن به دوران رسول خدا ﷺ بازمی‌گردد. این سخن به پشتوانه روایت‌هایی متعلق به صدر اسلام و گزارش‌های مندرج در کتاب‌هایی مانند کتاب سلیم بن قیس هلالی است. در این میان برخی از فقیهان امامی، نویسندگان اهل سنت و تعدادی از شرق‌پژوهان معاصر در اعتبار گزارش‌های سلیم بن قیس هلالی و اثبات مهدویت به واسطه آنها تردید نموده و نتایج تحقیق خود را «عدم وجود حقیقی سلیم بن قیس»، «جعل کتابی با نام وی توسط ابان بن ابی عیاش» و «غیرقابل اعتماد بودن نسخه‌های موجود» برشمرده‌اند. در این نگاشته نویسنده تلاش نموده تا با روش تحقیق آمیزه‌ای تلفیقی، روش داده‌پردازی توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای شیعیان و اهل سنت، به بررسی شخصیت سلیم بن قیس و کتاب وی پرداخته و نتایج حاصله که شامل «اصالت شخصیتی با نام سلیم بن قیس»، «اصالت کتاب سلیم بن قیس» و «اعتبار گزارش‌های باقی مانده از وی درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه» است را ارائه نماید.

واژگان کلیدی

سلیم بن قیس، کتاب سلیم، متون، حقیقت، تحریف.

مقدمه

همزمان با رشد مطالعات اسلامی و شیعی در غرب، شناخت منابع اسلامی و تحلیل اصالت، اعتبار و نسخه‌شناسی کتب مرتبط با آموزه‌های شیعی، حوزه‌ای پر جاذبه برای پژوهشگران غربی و مراکز مطالعاتی غرب قرار گرفت. قسمتی از تحلیل متون با توجه به رویکرد تاریخی‌نگرانه به آموزه‌های شیعی بوده که محقق غربی را به سمت یافتن اولین منابع بازگو کننده آموزه محل بحث خود می‌کشاند چرا که محققان با رویکرد تاریخی‌نگرانه یافتن اولین مصدر نقل یک گزاره را سندی برای زمانه ابداع و انگیزه‌های جعل آموزه می‌دانستند. در این

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۱

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی قم، ایران.
(m.shahbazian@isca.ac.ir)

میان اصالت مهدویت و آموزه‌هایی مرتبط با آن مانند غیبت، مسئله‌ای پرتنش در میان این دسته از محققین غربی بوده که با رویکرد پیش‌گفته، اصالت نبوی این مفاهیم را زیر سؤال برده‌اند. در مقابل، عالمان امامیه در گذر تاریخ با اثبات اصالت برخی از متون فریقین و شاهدیابی در گزاره‌های تاریخی به دفاع از اصالت آموزه‌های شیعی پرداخته و مهدویت را با روایات پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام در صدر اسلام پیوند زده‌اند. با این توصیف، یادکرد از آموزه مهدویت و گزاره‌هایی مرتبط با بشارت نبوی به ظهور ایشان (هلالی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۵۶۷) ذکر نام مهدی عجل الله تعالی فرجه (همان: ۷۶۳) و بیان آینده‌ای روشن و گسترش عدالت جهانی (همان: ۶۲۸) در کتاب «سلیم بن قیس هلالی» جایگاهی ویژه داشته و تدوین آن در قرن اول هجری قمری مستندی ارزشمند برای اثبات اصالت مهدویت در روایات نبوی است. در مقابل، بی‌اعتمادی برخی از عالمان امامیه به اصالت کتاب، تردید در نسخه‌های باقی‌مانده از آن، ناسازگاری برخی از روایات با آموزه‌های دیگر امامیه و ناهمگونی تعدادی از گزارش‌های مندرج در این کتاب با وقایع تاریخی تردید در تمسک به روایات آن ایجاد کرده و پژوهشگران غربی استناد بدان را نمی‌پذیرند. به بیان دیگر پرداختن به نقد اعتبار و محتوای کتب کهن مانند کتاب سلیم و کتاب بصائر الدرجات توسط برخی پژوهشگران غربی از این رو است که با ارائه مباحث فهرستی ثابت کنند که آموزه غیبت و امامان دوازده‌گانه در قرن چهارم هجری و توسط افرادی مانند جناب کلینی ساخته شده است که وجه آن عدم ذکر روایات‌های مهدوی در کتابی مانند بصائر الدرجات است و اگر کتاب سلیم بن قیس نیز در قرن اول هجری به مهدویت اشاره کرده اصالت و اعتبار کتاب اثبات‌پذیر نیست. این نوشتار تلاش دارد تا با روش توصیفی تحلیلی پس از بازخوانی نام سلیم و کتاب وی در متون فریقین، به تحلیل دیدگاه پژوهشگران غربی درباره کتاب بپردازد و از این رهگذر به اصالت روایات مهدوی در قرن اول هجری قمری دست یابد.

پیشینه تحقیق

تحلیل درباره سلیم بن قیس و کتاب وی به قرن چهارم و تحلیل نعمانی (۳۶۰ق) در الغیبه (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۲)، ابن ندیم (۳۸۵ق) در کتاب فهرست (ابن ندیم، بی‌تا: ۳۰۷) و احمد بن حسین غضائری (۴۵۰ق) در کتاب رجالش (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۶۳) باز می‌گردد. در قرون دیگر نیز نویسندگانی از شیعه و اهل سنت بدین امر اهتمام داشته که مهم‌ترین مباحث توسط کتبی مانند معجم رجال الحدیث آیت الله خویی، قاموس الرجال محمدتقی تستری، مقدمه کتاب

سلیم بن قیس محمد انصاری زنجانی و بیش از ده مقاله علمی (با توجه به نمایه‌های پایگاه مجلات تخصصی نور) صورت گرفته که آخرین آنها به تلاش علمی جناب آقای کاظم استادی بازمی‌گردد. تعدادی از مقالات به بررسی شخصیت سلیم پرداخته و در تعدادی دیگر اعتبار کتاب و نسخه‌های آن بررسی گردیده و برخی از مقالات به گزاره‌های روایی کتاب پرداخته‌اند. در این نوشتار تلاش بر توجه به پژوهش‌های پیش گفته بوده و در نهایت نکاتی جدید درباره سلیم بن قیس و کتاب وی در متون قدمای شیعه و اهل سنت، تحلیلی بر نظرات محققان قبلی و تحلیلی فهرستی بر اسناد کتاب طوسی ذکر شده است.

شناخت نامه سلیم بن قیس هلالی و روایات وی

ابوصادق سلیم بن قیس هلالی العامری الکوفی یکی از راویان حدیث و کاتبان شیعی است که وی را از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام تا امام باقر علیه السلام (برقی، ۱۳۷۱: ۹)، شمرده‌اند (هلالی، ۱۴۰۵: ۱، ج ۱، ۴۲). بنا بر گزارش دارقطنی (۳۸۵ق)، نام جدش «کعب» بوده و پدرش از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر شده که روایت «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ: إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ هَذِهِ الْأُمَّةِ» از طریق ابان از سلیم بن قیس از پدرش نقل شده است (مقدسی، ۱۹۸۰: ۱۹۸، ج ۴، ۲۶۴). در وثاقت سلیم بن قیس تردید وجود ندارد (خویی، ۱۴۰۳: ۹، ج ۲۳۰) و احمد بن محمد بن خالد برقی وی را از اولیای اصحاب حضرت علی علیه السلام معرفی می‌کند (همان: ۴). در این میان شهرت سلیم بن قیس به خاطر کتابی است که کهن‌ترین مطالب را از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام، ابوذر و سلمان، درباره حوادث مهم تاریخ اسلام همانند سقیفه، نقل نموده است. این کتاب در حال حاضر از طریق ابان بن ابی عیاش در اختیار شیعیان قرار گرفته و ابان چنین گزارش می‌دهد که پس از فرار سلیم بن قیس هلالی از حجاج بن یوسف ثقفی، به شیراز و منطقه نوبندگان آمده و با مشاهده آثار مرگ تمام کتاب را در اختیار ابان بن ابی عیاش قرار می‌دهد. همچنین وی درخواست نموده تا ابان بن ابی عیاش، این کتاب را جز در اختیار اهلسن قرار ندهد، چرا که شامل مضامینی است که نیاز به رعایت تقیه دارد (حلی، ۱۴۱۱: ۸۳؛ هلالی، ۱۴۰۵: ۲، ج ۲، ۵۵۷). در ادامه ابان این رسالت را به عهده گرفته و پس از آشنایی با تشیع راستین از طریق سلیم، به امام زین العابدین علیه السلام مراجعه نموده و تأییدیه‌ای درباره کتاب دریافت می‌کند (کشی، ۱۴۰۹: ۱، ج ۱، ۳۲۱). در نهایت وی کتاب را به عمر بن اذینه انتقال داده و پس از او شهرت کتاب در میان اصحاب امامیه شکل می‌گیرد.

نام سلیم و اعتنا به روایات او را می‌توان در میان قدمای محدثین شیعه و اهل سنت جستجو

نمود. کهن‌ترین گزارش را می‌توان از مُجَاعَةُ بِنِ الزُّبَيْرِ البَصْرِي (۱۴۶ق) دانست. وی نام «سلیم» را به صورت تصحیف شده و با عنوان «سلیمان بن قیس» ذکر کرده که نقل «ابان» از وی و توصیفش به «عامری» شاهی بر مراد ما قرار گرفته است. محتوای گزارش نیز درباره لعن عایشه بر «یزید بن قیس ارحبی» است که سخنی غیرواقعی را از جانب عایشه برای حضرت امیر علیه السلام نقل کرده است (ابن زبیر، ۱۴۲۳: ۱۶۴). پس از او به حدیثی از عبدالرزاق بن همام (۲۱۱ق) می‌توان اشاره نمود که او هم نام سلیم را به صورت مصحف «سلیمان بن قیس» ذکر کرده است (الصنعانی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۷۵). برخی محققین اهل سنت مراد از سلیمان بن قیس را «الیشکری» دانسته‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۹: ج ۳، ۴۸۶) در حالی که به قرینه نقل عبدالرزاق از معمر از ابان از سلیم بن قیس هلالی و عدم نقل روایت ابان بن ابی عیاش از سلیمان بن قیس الیشکری (مزی، ۱۴۰۰: ج ۲، ۱۹)، این اسم تصحیفی از نام «سلیم بن قیس» می‌باشد. چه بسا از این روست که آیت‌الله خوبی عنوان «سلیمان بن قیس» را تصحیف «سلیم بن قیس» دانسته‌اند (خوبی، ۱۴۰۳: ج ۹، ۲۱۷). ابن ابی شیبۀ (۲۳۵ق) با سندی غیر از ابان بن ابی عیاش «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَسَدِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ ظَهْمَانَ، عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْعَامِرِيِّ، عَنْ سُحَيْمِ بْنِ تَوْفَلٍ، قَالَ: قَالَ لِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ» (ابن ابی شیبۀ، ۱۴۰۹: ج ۷، ۴۸۷) از سلیم بن قیس روایت نقل کرده است. در میان شیعیان و از کتبی که در دسترس می‌باشند، می‌توان از کتاب *الزهة* حسین بن سعید اهوازی (حدود ۲۵۵ق یا پیش از آن)، نام برد^۱ و بنابر گزارش سیدبن طاوس، وی کتابی با نام *البهار* (طهرانی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۱۵۸) داشته که نسخه‌ای از آن در اختیار سیدبن طاوس بوده (ابن طاوس، ۱۴۱۶: ۳۰۷) و در آن روایاتی از سلیم بن قیس نقل نموده است (همان: ۳۰۹). صفار قمی (۲۹۰ق) با عنوان سلیم الشامی و با سندی متفاوت از دیگر اسناد سلیم بن قیس «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ يَسَارٍ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَضْرَمِيُّ عَنْ سُلَيْمِ الشَّامِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ عَلِيًّا عليه السلام» روایتی درباره وجود دوازده امام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را نقل کرده است (صفار قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۷۲). اگرچه در سند صفار قمی به «سلیم الشامی» ذکر شده است، اما در نقل علامه مجلسی از *بصائر الدرجات* «سلیم بن قیس الشامی» آمده و سند نقل شده در کتاب *الاختصاص* مؤید «بن قیس» بودن اوست (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۶، ۷۹؛ طهرانی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۵۵). بیهقی (۳۲۰ق) در کتاب خود، حدیثی را نقل نموده که در سند آن تصحیف وجود دارد و سلیم بن قیس را به صورت

۱. ص ۸ با عنوان تصحیف شده سلیمان بن قیس ذکر کرده است.

سلمان بن قیس آورده است. متن کتاب بیهقی چنین است:

و قوله عليه السلام، لما يكون من بعده مما حدث به محمد بن عبدالرحمن بن أذينة عن سلمان بن قيس عن سلمان بن عامر عن سلمان الفارسي قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إني رأيت علي منبري هذا اثني عشر رجلا من قريش يخطب كلهم رجلا من ولد حرب بن أمية و عشرة من ولد أبي العاص بن أمية»، ثم التفت إلى العباس و قال: «هلاكم علي يدي ولدك» (بيهقي، ۱۴۲۰: ۲۳)؛

و سخن رسول خدا صلى الله عليه وآله، برای آنچه پس از وی رخ خواهد داد؛ روایت محمد بن عبدالرحمن بن اذینه از سلمان بن قیس از سلمان بن عامر از سلمان فارسی. سلمان گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: همانا دوازده نفر از قریش را بر منبرم دیدم که خطابه می‌کنند؛ دو نفر از فرزندان حرب بن امیه و ده نفر از فرزندان ابی العاص بن امیه بودند. سپس روی به عباس (عموی خود) نمود و فرمود: هلاکت و پایان ملک آنها به دست فرزندان توست.

مشابه این روایت در نسخه‌ای از سلیم بن قیس نقل گردیده است (هلالی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۹۰۷). محقق کتاب سلیم این متن را از کتاب شرح الاخبار قاضی نعمان مغربی نیز نقل می‌کند که نگارنده پس از جستجو در کتاب مذکور بدان دست نیافت (همان: ۹۶۵). مسعودی (۳۴۵ ق) صاحب مروج الذهب در کتاب دیگرش به وی اشاره کرده (مسعودی، بی- تا: ۱۹۸) و ابن ندیم (۳۸۵ ق) کتاب سلیم را اولین کتاب شیعه و مشهور میان تشیع دانسته و پس از نقل داستان فرار سلیم از حجاج بن یوسف می‌گوید:

رواه ابان بن ابي عياش لم يروه غيره (ابن ندیم، بی تا: ۳۰۸)؛

این کتاب را ابان بن ابی عیاش روایت کرده و کسی جز او نقل نکرده است.

گویا محمد بن عبدالله شبلی (۷۶۲ ق) از علمای اهل سنت، این سخن را پیروی نموده و درباره کتاب سلیم چنین می‌نویسد:

أول كتاب ظهر للشيعة كتاب سلیم بن قيس الهلالي، وهو كتاب مشهور (الخ) (شبلی، ۱۴۱۲: ۳۵۹)؛

اولین کتابی که شیعه نگارش نمود کتاب سلیم بن قیس بوده که کتاب مشهوری است [کلام وی ادامه دارد].

یکی از امامان زیدیه با نام الناطق بالحق یحیی بن حسین بن هارون (۴۲۴ ق)، در کتاب خود با عنوان تیسیر المطالب، روایاتی از سلیم نقل نموده که در سلسله اسناد آن به ابان بن ابی

عیاش و سلیم بن قیس، افراد متفاوتی را ذکر کرده است (المناولی، ۱۴۰۸: ج ۹۸، ۲۲۴-۲۲۵). یکی از اسناد متفاوت در این کتاب چنین است:

وَبِهِ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى، قَالَ: أَخْبَرَنِي حَمْرَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ الْعَبَّاسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سَلَمَةَ بْنِ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا التُّعْمَانُ، عَنْ عَمْرِو بْنِ حَمَّادِ بْنِ طَلْحَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ رَبِّهِ بْنِ عَلْقَمَةَ، عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ ...
ابن ابی حاتم (۳۲۷ق) در کتاب الجرح والتعديل به نام او اشاره کرده و می گوید:

سليم بن قيس العامري روى عن سحيم بن نوفل روى عنه أبان سمعت أبي يقول ذلك (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ج ۴، ۲۱۴)؛
سليم بن قيس عامري از سحيم بن قيس روايت نقل کرده و ابان از سليم روايت نقل کرده است، اين را از پدرم شنيدم.

نام سحيم بن قيس را در کتب رجالی اهل سنت پيدا نکرديم و گویا اين عبارت تصحيف نام «سحيم بن نوفل اشجعی» باشد. شاهد اين سخن نقل ابن ابی شيبه (۲۳۵ق) در کتاب المصنف از سليم بن قيس است که روايتی را از سليم بن قيس به نقل از سحيم بن نوفل ذکر می کند (ابن شيبه، ۱۴۰۹: ج ۷، ۴۸۷).

مرحوم نعمانی نیز به نقل از معمر بن راشد روايت عمر بن ابی سلمه صحابی (متوفای ۸۳ق)، از سليم را نقل نموده است.^۳ روايات شفاهی نقل شده از او، نشان از وجود حقیقی سليم بن قيس داشته و شهرت اين کتاب به گونه ای است که مرحوم نعمانی آن را از کتاب های کهن و معتبر شيعه نام برده و معتقد است که اهل علم از حديث شيعه اين کتاب را مورد استناد می دانند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۲). همچنين علامه حلی اشاره دارد که کشی اين

۱. محقق کتاب اين نسخه را چنين توضيح داده است: الاصل الثاني نسخة محفوظة في دار الكتب المصرية، ... والكتاب في ستة مجلدات، في آخر السادس ما لفظه (ثم السفر السادس وهو آخر كتاب الجرح والتعديل ... ووافق الفراغ منه في شهر ذي الحجة سنة ست واربعين وسبعمائة ۷۴۶ وكتبه محمد بن رسلان عرف بابن السكري عفا الله عنه) ووقع في آخر المجلد الاول ذكر التاريخ بكتابة معلقة غير واضحة ربما تقرأ هكذا (سنة اربع وخمسائة) كذا والظاهر (سنة اربعين وسبعمائة) وهي نسخة واضحة الكتابة مقابلة يقل فيها السقط ولكن يكثر فيها التريف حصلت منها نسخة مأخوذة بالتصوير تشمل ما عدا ما يقابل المجلد الثالث من الكتاب الذي طبع قديما في الدائرة سنة ۱۳۶۱ وعلامة هذه النسخة في المطبوع (م).

۲. ايشان فرزند ام سلمه ام المومنين بوده و در زمان رحلت حضرت رسول ﷺ نه سال داشته است. وی از ياران حضرت علی عليه السلام محسوب شده و در جنگ جمل با ايشان همراه بوده است. حضرت علی عليه السلام وی را به فرمانداری بحرين و يمن نیز منصوب نمود. (تستری، ۱۴۱۸: ج ۸، ۱۵۶)
۳. قَالَ مَعْمَرٌ وَ ذَكَرَ أَبُو هَارُونَ الْعَبْدِيُّ أَنَّهُ سَمِعَهُ أَيْضاً عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ ...

کتاب را پذیرفته است (حلی، ۱۴۰۱: ۱۲۴).^۱ مرحوم کاظمی در تکملة الرجال به نگاشته‌ای از علامه مجلسی - که خود مشاهده کرده‌اند - اشاره دارد که بدین کتاب اعتماد نموده و نسخه‌ای کهن و متعلق به سال ۶۹۰ هجری قمری را در اختیار داشته است (کاظمی، ۱۴۲۵: ج ۱، ۵۷۳). به این منابع می‌توان نقل‌های اخبار الدولة العباسية (ناشناس، ۴۵)،^۲ تفسیر فرات کوفی (حدوداً ۳۰۷ ق) (فرات، ۱۴۱۰: ۶۸) تفسیر عیاشی (۳۲۰ ق) (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۴) المسترشد فی الامامة (۳۲۶ ق) (طبری، ۱۴۱۹: ۲۳۱) و تاریخ مدینه دمشق (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۹، ۴۵۶؛ ج ۱۲، ۲۸۸) را اضافه نمود.

اهمیت اثبات اعتبار کتاب سلیم بن قیس^۳ و پذیرش برخی از روایات آن در این تحقیق از آن جهت است که کهن‌ترین نوشتار شیعه در اثبات موضوعاتی مانند وجود نص بر دوازده امام می‌باشد. بنابراین ادعای برخی از نویسندگان، حدود بیست و چهار روایت را درباره امامان دوازده‌گانه نقل نموده است (معارف و خان بابا، ۱۳۹۴: ۷۱-۹۲). این مهم موجب گردید تا برخی از مستشرقان به تحلیل کتاب سلیم پرداخته و جایگاه آن را بررسی نمایند.

شاید بتوان گلدزیهر (۱۹۲۱ م) را پیش‌قدم در نقد اعتبار کتاب سلیم بن قیس معرفی نمود. (کلیبرگ/الویری، ۱۳۷۴: ۲۱۲ و پاورقی ۸۴؛ کلیبرگ/بهرامی و عربشاهی، ۱۳۹۵: ۹۵)^۴ و پس از وی به نگاشته‌های محمد علی امیر معزی،^۵ اتان کلیبرگ (کلیبرگ/الویری، ۱۳۷۴: ۲۰۱-۲۲۰؛

۱. و روی الکشی أحادیث تشهد بشکره و صحة كتابه.

۲. نویسنده این کتاب مشخص نیست و بنابراین گمانه‌های مختلف بین ۲۵۰ تا قرن پنجم زده شده است (رک: ناشناس، اخبار الدولة العباسية، ۱۵؛ حسن انصاری، اخبار الدولة العباسية از کیست؟ بررسی نظرات آقایان دکتر مدرسی و بهرامیان، <http://ansari.kateban.com/post/3337>

۳. در ادامه خواهیم گفت که مراد از قبول کتاب سلیم بن قیس پذیرش تمامی روایت‌های آن نیست و به یقین علاوه بر بررسی نسخه‌ای که روایت در آن درج شده است، به منفرد بودن و شواهد تاریخی مخالف نیز باید توجه نمود.

۴. متن کامل کتاب گلدزیهر به زبان آلمانی در این آدرس قابل رویت است:

<https://archive.org/details/muhammedanisches00gold/page/n77>

5. Mohammad Ali Amir-Moezzi: Note bibliographique sur le «Kitâb Sulaym b. Qays», le plus ancien ouvrage shi'ite existant. In: M. A. Amir-Moezzi, Meir M. Bar-Asher, Simon Hopkins (Hrsg.): Le shi'isme imâmite quarante ans après: hommage à Etan Kohlberg. Brepols, Turnhout, 2009. S. 33-48.

این مقاله در یک مجموعه مقالات چاپ شده و به زبان فرانسه است. متن کامل کتاب در این آدرس قابل ملاحظه است: <https://www.brepolsonline.net/doi/10.1484/M.BEHE-EB.5.100127>

وی در بخش اول کتاب (قرآن صامت و قرآن ناطق) مقاله‌ای دارند که به کتاب سلیم اشاره نموده است. Violence and Scripture in the Book of Sulaym Ibn Qays, p.16

عنوان کامل کتاب چنین است:

The Silent Qur'an and the Speaking Qur'an: Scriptural Sources of Islam Between History and Fervor, by Mohammad Ali Amir-Moezzi, Translated by Eric Ormsby, USA, Columbia University Press, 2015, 296pp

متن کتاب را در این درگاه ببینید:

https://books.google.com/books?id=ZuzlCgAAQBAJ&pg=PA13&source=gbs_toc_r&cad=3#v=onepage&q&f=false

کلبرگ/بهرامی و عربشاهی، ۱۳۹۵: ۹۲-۱۱۳) ماریا دقاق^۱ و سیدحسین مدرسی (مدرسی، ۱۳۸۶: ۱۲۵) اشاره نمود.

در میان مستشرقان یاد شده، سیدحسین مدرسی بیش از دیگران مطالبی را درج نموده و در کتاب *میراث مکتوب شیعه* تحلیل خود را ارائه داده است. محور مباحث وی که نگاه مستشرقان را خلاصه نموده چنین است:

۱. بنا بر گزارش ابن غضائری و ابن ابی الحدید از برخی شیعیان، سلیم بن قیس هلالی وجود خارجی نداشته است و نامی مستعار است (مدرسی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). تنها مستند طرفداران این نظریه، سخن ابن غضائری است که آن هم، ناشی از برداشت ناصواب از عبارت وی می باشد. به عنوان نمونه دکتر سیدحسین مدرسی در این باره می نویسد:

چنین به نظر می رسد که چنین شخصی هیچ گاه وجود نداشته و نام سلیم بن قیس، تنها یک نام مستعار بود که شیعیان کوفه از رهگذر تقیه، برای کتاب *شدیداللعنی* که در سال های ناآرام پایانی حکومت اموی علیه آن نظام و پایه های اعتقادی آن نشر کردند، به کار بردند... ابن غضائری در اوائل قرن پنجم از علمای شیعه روزگار خود نقل کرده است که این سلیم، ناشناخته بوده و از وی در هیچ روایتی یاد نشده است. دو قرن و نیم پس از آن، یکی از علمای شیعه معاصر ابن ابی الحدید به وی گفته بود که این نام ما به ازاء خارجی نداشته و شخصی با این مشخصات هرگز وجود نداشته است (همان).

برداشت و عبارت دکتر مدرسی به گونه ای است که خوانندگان آن، گمان می برند ابن غضائری این نظریه را پذیرفته و مستند و پشتوانه سخن وی دیدگاه علمای شیعه معاصر اوست.

۲. به تصریح ابن غضائری، این کتاب توسط ابان بن ابی عیاش، جعل گردیده است (همان: ۱۲۸). سیدعلی بن احمد عقیقی (ابتدای قرن ۴) نیز در کتاب *رجال* خود آشنایی ابان بن ابی عیاش با تشیع را توسط سلیم بن قیس دانسته و پس از نقل فرار سلیم از حجاج،

1. Maria Massi Dakake. "Writing and Resistance: The Transmission of Religious Knowledge in Early Shi'ism", p 191-194

متن مقاله در این آدرس قابل مشاهده است:

http://www.academia.edu/14722514/Writing_and_Resistance_The_Transmission_of_Religious_Knowledge_in_Early_Shiism

همچنین این مقاله در مجموعه ای با این عنوان چاپ شده است:

Daftary, F. and Miskinzoda, G. (editors), *The Study of Shi'i Islam: History, Theology and Law*, I.B. Tauris, 2014

در انحصار نقل کتاب سلیم توسط ابان می‌گوید:

فلم یرو عن سلیم بن قیس أحد من الناس سوی أبان(حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۶).

خواجه‌بوی احتمال می‌دهد که این سخن ابن غضائری برداشتی از عبارت عقیقی در مورد

کتاب سلیم باشد که تنها ناقل آن را ابان دانسته است(الخواجه‌بوی، ۱۴۱۳: ۳۲۷).

۳. شیخ مفید کتاب را معتبر ندانسته و بیان نموده که مطالب فاسدی در آن گنجانده شده

است(همان: ۱۲۸).

۴. متن کتاب در گذر زمان تغییر یافته و عبارت‌هایی توسط نسخه‌نویسان قرون بعد و

متناسب با زمانه و نیازهای شیعیان، بدان افزوده شده است. وی روایت‌های مرتبط با آمدن

پرچم‌های سیاه و فروپاشی بنی‌امیه به دست آنان را از جمله موارد اضافه شده می‌داند(همان:

۱۲۷-۱۲۹). در نهایت و پس از نقل دیدگاه برخی از نویسندگان شیعی (مانند مرحوم ابوالحسن

شعرانی)، نظر خود را چنین بیان می‌کنند:

بنابراین ظاهراً باید چنین نتیجه گرفت که یک یا تعدادی از راویان متقدم، این کتاب

را یافته و آن را به روش و جاده(و نه سماع) نقل کرده بودند و در این مرحله کسی نیز

داستان ادعایی پیدایش کتاب را پرداخته و بر آن افزوده است. به هر روی، این کتاب

کهن‌تر از دو ماه پیش از وفات ابان بن ابی‌عیاش است که در سال ۱۳۸ در گذشته

بود(همان: ۱۲۹).

به تصریح دکتر سیدحسین مدرسی، این کتاب اگرچه کهن است اما نه به دست سلیم و نه

ابان بن ابی‌عیاش نگاشته شده بلکه؛ در دوره هشام بن عبدالملک تدوین گردیده و داستان

انتساب به سلیم ساختگی است. نگارنده در نامه‌ای از ایشان درخواست نمود تا دیدگاه خود را

تبیین نمایند و ایشان نیز بذل محبت نموده و در پاسخ چنین آورده‌اند:

سلام علیکم و رحمة الله. کتاب سلیم در هسته اصلی خود(که گفته‌ام تا حدود زیادی

در نسخه بازمانده آن به دست ما رسیده) اصیل است اما پیش‌گفتار آن از افزوده‌های

بعد است. در این پیش‌گفتار ادعا می‌شود که یکی از اصحاب امیرمؤمنان به نام سلیم

بن قیس هلالی این کتاب را نوشته و به ابان بن ابی‌عیاش(درگذشته سال ۱۳۸)

سپرده بود که او نیز آن را تا دو ماه پیش از درگذشت خود به کسی نشان نداده بود.

حقیر بر اساس شواهد درون‌متنی استظهار کرده‌ام که کتاب متعلق به سال‌های پایانی

خلافت هشام بن عبدالملک(پیرامون سال‌های ۱۲۱-۱۲۵) است، دیرتر از آن که کسی

از اصحاب امیرمؤمنان(که در این زمان دست‌کم صد سال زندگی کرده بود) بتواند آن

را بنویسد و زودتر از سال ۱۳۸ که به ادعای پیش‌گفتار، تا آن زمان به شکل منحصر در

حوزه حیات ابان بن ابی عیاش از نظر مردمان پنهان مانده باشد. پس آنچه قابل اثبات نیست انتساب کتاب به فردی با آن نام است و دعوی این که ابان بن ابی عیاش در روایت آن نقشی داشته است، ولی اصل کتاب (به غمض نظر از نام مؤلف و راوی) اصیل است.^۱

نقد و بررسی

در قسمت های پیش گفته نکاتی درباره سلیم بن قیس و کتاب وی ذکر گردید. بیشترین حجم سخن پیرامون سلیم و کتاب وی را می توان به تحقیق محمدباقر انصاری زنجانی نسبت داد و ایشان تلاش نموده تا شبهات مرتبط با کتاب سلیم را توضیح دهد (هلالی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۴۱). نگارنده افزون بر نکات مورد استفاده از تحقیقات قبلی، مواردی را تذکر می دهد.

یکم: اثبات وجود حقیقی سلیم بن قیس

بی تردید، اشکال در وجود خارجی سلیم بن قیس، سخنی بدون دلیل و نادرست است. همان گونه که اشاره گردید، افزون بر این که جناب برقی در کتاب طبقات خود، وی را نام برده و از خوبان یاران حضرت علی علیه السلام می دانند و بزرگان شیعه مانند کلینی، نجاشی، شیخ طوسی و نعمانی او را پذیرفته اند؛ روایت های مختلفی از طریق اهل سنت و زیدیه نیز به سلیم بن قیس هلالی عامری نسبت داده شده است.

استناد دکتر سیدحسین مدرسی به سخن ابن غضائری نیز در حالی است که متن وی چنین است:

وكان أصحابنا يقولون: إن سلیماناً لا يعرف، ولا ذكر في خبر. وقد وجدت ذكره في مواضع من غير جهة كتابه، ولا من رواية أبان ابن أبي عیاش عنه. وقد ذكر له ابن عقدة في «رجال أمير المؤمنين عليه السلام» أحاديث عنه (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۶۳)؛

اصحاب ما می گویند: همانا سلیم فردی ناشناخته است و نامی از او در روایتی نیامده است. [در حالی که] نام او را در مواردی غیر از کتاب منسوب به او یافته ام. و راویان از او غیر از ابان بن ابی عیاش بوده اند. و ابن عقده احادیثی را از او در کتاب (یاران و راویان امیرالمؤمنین علیه السلام) ذکر کرده است.

اولاً: اگر دقت شود ابن غضائری این نظر را به «أصحابنا» نسبت می دهد که این عبارت الزاماً

۱. پاسخ دکتر سیدحسین مدرسی به نامه الکترونیکی این جانب در تبیین دیدگاه خود به تاریخ ۵ آذر ۱۳۹۷ مصادف با ۲۵ نوامبر ۲۰۱۸ میلادی. مشابه این عبارت را ر.ک: مدرسی، مکتب در فرایند تکامل، ۱۳۸۶: ۱۹۳، پاورقی درباره کتاب سلیم.

به بزرگان و فقهای دوازده امامی اشاره ندارد و بزرگان فرق شیعی مانند واقفیه، فطحیه نیز از مصادیق «اصحاب شیعه» محسوب می‌شوند (نوری، ۱۴۱۷: ج ۳، ۵۱۰). شاهد این سخن، عبارت‌های مرحوم کشی (کشی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۶۳۵) و مرحوم نجاشی (نجاشی، ۱۴۱۸: ۱۲۰ و ۲۵۸) است که بزرگان فطحیه و واقفیه را در زمره «اصحابنا» محسوب کرده‌اند. با این وصف چه بسا اصحاب مدنظر ابن غضائری، بزرگانی از فرق شیعی بوده که برخی مفاد مندرج در کتاب سلیم بن قیس را مخالف با ادعاهای خود دیده و برای زیر سؤال بردن روایت‌های مرتبط با امامان دوازده‌گانه راهی جز تشکیک در وجود و اعتبار نویسنده و کتاب نداشته‌اند.

ثانیاً: ابن غضائری با وجود سخت‌گیری در استناد کتاب به سلیم بن قیس و سبک خاص خود در بررسی شخصیت راویان شیعه،^۱ اعلان نموده که این دیدگاه اشتباه بوده و قطعاً فردی به نام سلیم بن قیس هلالی وجود داشته‌است. وی در تأیید سخن خود به کتاب رجال ابن عقده اشاره می‌کند که سلیم بن قیس را از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر کرده است.

ثالثاً: استدلال قائلان به عدم وجود حقیقی سلیم، به انحصار نقل ابان بن ابی عیاش از سلیم و انحصار روایت‌های سلیم در کتابش بوده است. از این رو ابن غضائری در دفاع از وجود خارجی سلیم بن قیس این‌گونه پاسخ داده که روایت‌های منقول از سلیم منحصر در کتاب وی و ابان بن ابی عیاش نمی‌باشد و جناب ابن غضائری از راویان دیگر و احادیثی غیر از احادیث کتاب سلیم، روایت‌هایی را دیده است که نمونه‌ای از آنها در ابتدای این نوشتار اشاره گردید.

رابعاً: نقل ابن ابی الحدید از برخی عالمان شیعی نیز مورد تأیید نبوده و افزون بر این که نام و جایگاه و تعداد آن عالمان شیعی را نمی‌دانیم؛ مستند ادعای آنها بر ما آشکار نیست در صورتی که استناد سخن آنها به عبارت ابن غضائری باشد، تحلیل آن مطرح گردید.

دوم: اصالت کتاب سلیم و اعتبار نسبی آن

اگرچه کتاب سلیم از طرف ابن غضائری مورد تردید قرار گرفته است اما با دقت در تاریخ علمی اصحاب و قدمای شیعه به دست می‌آید که این کتاب محل اعتماد آنان بوده و دیدگاه ابن غضائری مبتنی بر تحلیل و روش سختگیرانه اوست. حقیقت امر این است که؛
اولاً: جعل شدن این کتاب توسط ابان بن ابی عیاش مستندی ندارد و افزون بر عدم

۱. سخت‌گیری وی به گونه‌ای است که مرحوم آقابزرگ طهرانی احتمال می‌دهد که این کتاب توسط معاندین شیعه نگاشته شده و به ابن غضائری منسوب گردیده است (ر.ک: الذریعه، ۱۴۰۳: ج ۱، ۸۹؛ جهت اطلاع بیشتر، ر.ک: جلالی، روش ابن غضائری در نقد رجال، فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات اسلامی، ش ۶۵-۶۶، ۵۵-۸۶).

قطعیّت آن، آشکار گردیده که برخی از اشکالات براساس اشتباه در تحلیل ذکر شده‌اند. آنچه هم ابن غضائری گفته است را نمی‌توان دلیلی بر جعل تمام مطالب کتاب دانست (عاملی، ۱۴۲۴: ج ۱، ۱۴۷؛ استرآبادی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۵۰؛ الخواجویی، ۱۴۱۳: ۳۲۵) و تنها احتمال می‌رود در برخی نسخه‌ها دست برد صورت گرفته است (تستری: ج ۵، ۲۳۷ و ۲۳۹).

ثانیاً: مرحوم نجاشی از بزرگ‌ترین کتاب‌شناسان شیعه بوده که تبحر او موجب گردیده تا نظرات او را به سخنان رجالیون دیگر مانند شیخ طوسی ترجیح دهند (طهرانی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۱۵۵). ایشان کتاب خود را با انگیزه پاسخ به اشکالات اهل سنت در عدم وجود کتابی برای شیعیان نگاشته است و در مقدمه خود چنین می‌نویسد:

و آن نکته عبارت از بیان اعتراض گروهی از مخالفان ما بود که می‌گویند: شما شیعیان فاقد پیشینه علمی و تصنیفات می‌باشید... من از آثار شیعیان آن قدر که در توان داشتم، جمع‌آوری نمودم اگرچه نتوانستم به همه کتاب‌های آنان دست یابم. زیرا اکثر کتب شیعیان در دسترس نیست و این تذکر را برای کسانی می‌دهم که در آینده با کتبی برخورد می‌نمایند و من در فهرست خود از آن یاد نمی‌کنم (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳).

نجاشی، در مواردی که یقین به وجود کتابی ندارد آن را متذکر شده (همان: ۳۵ و ۴۵۲) و حتی تلاش در معرفی نسخه‌های معتبر از یک کتاب نموده است (همان: ۵۹). با این حال کتاب سلیم را به عنوان نمونه‌ای از مستندات خود آورده و با استناد بدان، تاریخ کتابت در شیعه را به عصر امیرالمومنین علیه السلام ارجاع داده است. پس چگونه می‌توان قبول کرد که قدمایی متخصص همانند نجاشی، کلینی، نعمانی و شیخ طوسی این کتاب را جعلی دانسته‌اند اما در اثبات حقانیت خود بدان استناد نموده‌اند؟

ثالثاً: اعتنای قدمای شیعه و اهل سنت به کتاب سلیم نشان از مشهور بودن و مقبولیت آن داشته است. اعتنای جناب کشی (کشی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۳۲۱)، استدلال‌های نعمانی (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۱)، شیخ صدوق (صدوق، ۱۴۱۴: ۱۱۸) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۹۳-۱۹۴) و ۳۳۵) در تقابل با فرق انحرافی به روایت‌های کتاب سلیم بن قیس، شاهدی بر مقبولیت این کتاب است. گزارش مرحوم نعمانی با این توصیف «و بین هیچ یک از عالمان و محدثان شیعه اختلافی در این نیست که کتاب سلیم از اصول معتبره شیعه است... و شیعیان بدان اعتنا و اعتماد داشته‌اند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۱) دلالت آشکار بر اعتماد عالمان دینی بر این کتاب داشته و با توجه به این که ایشان از شاگردان مرحوم کلینی است، می‌توان دیدگاه کلینی درباره

کتاب سلیم را شناسایی نمود. عبارت علی بن الحسین مسعودی (۳۴۵ق) صاحب *مروج الذهب* در دیگر کتاب تاریخیش با نام *التنبیه والإشراف* در استناد شیعیان به کتاب سلیم در اثبات عدد دوازده برای امامان شیعه (مسعودی، بی تا: ۱۹۸) شاهی دیگر بر محتوای سخن نعمانی در بهره‌گیری امامیه از این کتاب و روایاتش دارد.

از این روی انگیزه جناب نعمانی در ذکر طریق خود به کتاب سلیم از روایات اهل سنت نه به دلیل عدم وجود طریقی شیعی برای کتاب، بلکه به دلیل بالا رفتن اعتبار احتجاج در امامت دوازده وصی با اهل سنت و دیگر فرق انحرافی زمانه او مانند فاطمیون مصر بوده است. همچنین این توجه به کتاب سلیم، نادرستی تحلیل برخی از پژوهشگران در ناشناخته بودن کتاب سلیم برای عالمان دینی را (استادی، ۱۴۰۰: ۱۵۰-۱۷۷) آشکار می‌کند.

رابعاً: در طریق مرحوم کلینی راویان دقیقی همانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۹) وجود دارد که با سند متصل از حماد بن عیسی (همان: ۱۴۳؛ کشی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۶۷۲) از کتاب سلیم بن قیس نقل روایت نموده است.^۱ با این وصف چگونه می‌توان تصور نمود که اجلاء شیعه روایت‌های خود را از کتابی جعلی نقل کرده و تمامی آنها از این نکته غفلت کرده‌اند که مطالبش جعلی از طرف ابان بن ابی عیاش و یا فرد دیگری است؟ خامساً: از جمله مستندات مخالف با اعتبار کتاب سلیم بن قیس، استدلال به عبارت شیخ مفید در کتاب *تصحیح اعتمادات الامامیه* ایشان می‌باشد. فارغ از این که برخی از محققان در انتساب این کتاب به شیخ مفید تردید کرده‌اند، منتقدان در برداشت از متن شیخ مفید دچار اشتباه شده‌اند.

شیخ مفید، در تحلیل کلام شیخ صدوق و استناد ایشان به کتاب سلیم بن قیس هلالی می‌نویسند:

و أما ما تعلق به أبو جعفر رحمه الله من حديث سليم الذي رجح فيه إلى الكتاب ... فالمعنى فيه صحيح غير أن هذا الكتاب غير موثوق به ولا يجوز العمل على أكثره وقد حصل فيه تخليط وتدليس فينبغي للمتدين أن يجتنب العمل بكل ما فيه ولا يعول على جملته و التقليد لرواته و ليفتح إلى العلماء فيما تضمنه من الأحاديث ليوقفوه على الصحيح منها و الفاسد و الله الموفق للصواب (مفيد، ۱۴۱۳: ب: ۱۵۰)؛

اما آنچه را که شیخ صدوق مستند به حدیث سلیم بن قیس نمود و آن مطلب را از

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سَلِيمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ.

کتاب سلیم نقل کرده است، معنای و کلیت آن قابل قبول است لکن این کتاب مورد وثوق نیست و عمل به اکثر آن روا نیست و در آن خلط میان مباحث و دست کاری وجود دارد. سزاوار است بر متدین که از عمل به تک تک روایات پرهیز نموده و اطمینان بر تمام روایات نکند و تقلید از روایانش ننماید و طلب یاری از علما کند در آنچه از روایات برای او تضمین می کنند و او را از روایات صحیح این کتاب و فاسد این کتاب نگه دارند (آگاه نمایند).

با دقت در کلمات شیخ مفید، ایشان قائل به جعلی بودن کتاب توسط ابان بن ابی عیاش یا هر فرد دیگری نبوده و به عکس، اصالت کتاب سلیم بن قیس از دیدگاه ایشان به دست می آید و ایشان نقد خود را به نسخه های کتاب سلیم معطوف کرده است. از این روی سخن خود را چنین تکمیل نموده که در این کتاب روایت های صحیح یافت شده و برای تشخیص آنها لازم است به فقها و عالمان دینی مراجعه کرد. شاهدی دیگر بر این گفتار، استناد شیخ مفید در کتاب فقهی خود با نام *المتمعة* به روایتی از کتاب سلیم بن قیس هلالی است (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲۲۷) عملکرد شیخ طوسی به عنوان شاگرد شیخ مفید و بهره گیری از روایات کتاب سلیم بن قیس دلالتی آشکار بر عدم پذیرش جعلی بودن کتاب سلیم داشته (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۹۳-۱۹۴ و ۳۳۵) و این شیوه از تعامل با مطالب کتاب سلیم بن قیس را علامه حلی نیز به کار برده و پس از پذیرش اصالت کتاب در برخی مطالب آن توقف کرده است (حلی، ۱۴۱۱: ۸۳).

اشکال به طریق کتاب سلیم بن قیس

آن گونه که ذکر گردید، یکی از اشکالات به کتاب سلیم بن قیس این بوده که تنها راوی این کتاب از سلیم، ابان بن ابی عیاش است که توثیق صریحی در منابع رجالی نداشته و امکان جعل کتاب توسط وی امکان پذیر است (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۳۶).

مطابق با دیدگاه آیت الله خویی و برخی دیگر از عالمان رجالی، تنها ناقل این کتاب ابان بن ابی عیاش نبوده است و بنابر نقل نجاشی، حماد بن عیسی مستقیماً از ابراهیم بن عمر از سلیم بن قیس دریافت کتاب کرده است. این دیدگاه را برخی نپذیرفته و سقط نام در اسناد کتاب نجاشی را ذکر می کنند.^۱ آیت الله خویی معتقد است که میان نقل شفاهی ابراهیم بن عمر از ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس و نقل کتاب سلیم از ابراهیم بن عمر الیمانی از خود سلیم

۱. (تستری، ۱۴۱۸: ج ۵، ۲۳۵)، همچنین نکاتی به پیروی از استاد سید محمد جواد شبیری زنجانی در پاورقی کتاب الکافی چاپ انتشارات دارالحدیث در این باره درج شده است (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ۴۶۹).

تفاوت وجود دارد. همچنین باید توجه نمود که در نقل ابراهیم بن عمر یمانی از سلیم بن قیس هیچ ناهمگونی یافت نمی‌شود و می‌تواند به صورت مستقیم از او روایت شنیده باشد (خویی، ۱۴۰۳: ج ۹، ۲۳۶). محقق خواجه‌جویی همانند آیت‌الله خویی، اشکال ابن غضائری در مشوش بودن طریق به کتاب سلیم بن قیس را نپذیرفته و آن را به جای تشویش، دلیل بر تعدد سند به کتاب می‌داند (خواجه‌جویی، ۱۴۱۳: ۳۲۶). این احتمال با اسناد ذکر شده در *بصائر الدرجات* (صفار، ۱۴۰۴: ۸۳)، *الکافی* (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۹۱؛ ج ۸، ۳۴۳؛ کافی دارالحدیث، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ۱۵۲) و *کمال‌الدین* (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۴۰) تأیید شده و نقل مستقیم ابراهیم بن عمر از سلیم بن قیس معهود بوده است. از این رو، نقل طریق حماد بن عیسی از ابراهیم بن عمر از سلیم بن قیس توسط جناب نجاشی (نجاشی، ۱۴۱۸: ۸) شیخ طوسی^۱ آن هم پس از نقل طریق حماد بن عیسی از ابان بن ابی عیاش از سلیم، گویای تفاوت و دو تا بودن آنهاست و این مطلب احتمال سقط نام راویان دیگر مانند ابان را بعید می‌کند.

نگارنده احتمال می‌دهد که خلط در میان طرق سلیم بن قیس صورت گرفته و در واقع دو طریق توسط حماد بن عیسی به کتاب سلیم وجود داشته است:

- عمر بن اذینه از ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۴)؛
- ابراهیم بن عمر یمانی از سلیم.

و چون گاهی این دو سند با یکدیگر نقل شده است گمان بر این رفته که در سند دوم نیز نام ابان بن ابی عیاش وجود دارد و ابان میان ابراهیم و سلیم قرار گرفته است. شاهد این سخن سندی است که شیخ صدوق چنین آورده‌اند:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو الْيَمَانِيِّ وَعُمَرَ بْنِ أَدِيَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ
الْهَلَالِيِّ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۹۷؛ صدوق، ۱۳۶۲: ج ۱، ۲۵۵؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۶۲).

همان‌گونه که می‌بینیم در این سند میان «حماد از ابراهیم» و «عمر بن اذینه از ابان» کلمه «واو» قرار گرفته است و این سند را می‌توان چنین دانست که: حماد بن عیسی از ابراهیم از سلیم؛ حماد بن عیسی از عمر بن اذینه از ابان از سلیم.

اما نسخه نویسان بدین مطلب توجه نکرده و گمان کرده‌اند که سند چنین است: حماد بن عیسی از ابراهیم بن عمر از ابان از سلیم.

۱. و حماد بن عیسی، عن ابراهیم بن عمر الیمانی، عن سلیم بن قیس (شیخ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۳۰).

در نهایت خلطی در سند شیخ طوسی و نجاشی نبوده و هر دوی آنان به درستی سند کتاب سلیم بن قیس را از روی کتاب فهرست ابن ولید درج کرده‌اند. مگر این‌که معتقد شویم دراصل نسخه‌های موجود در اختیار نجاشی و شیخ طوسی سقط وجود داشته و آنها به رسم امانتداری، عین همان را نگاشته‌اند.

به هر تقدیر هیچ محقق با قاطعیت نمی‌تواند طرق مرتبط با کتاب سلیم را مطرح نموده اما می‌توان با توجه به اصالت نام سلیم بن قیس، استناد قدما به روایت‌های کتاب وی معتقد به وجود حقیقی و کتابی منسوب به او گردید و با توجه به روایتی که قدمای امامیه بدان اشاره کرده‌اند، اجمالاً اثبات نمود که گزارش از امامان دوازده‌گانه در کتاب سلیم موجود بوده و این نویسنده از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام برده‌است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۲۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۹۶؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۶۲؛ ج ۲، ۴۷۷؛ ابن شاذان، ۱۴۰۷: ۱۲۴)

نتیجه‌گیری

با توجه به ذکر نام سلیم بن قیس در متون کهن از شیعیان و اهل سنت و استناد عالمان و فقیهان شیعه به گزارش‌های وی، می‌توان یقین نمود که این فرد وجود خارجی داشته و نامی مستعار نیست. همچنین، کتاب سلیم بن قیس از کتب معتبره نزد امامیه بوده و بدان استناد کرده‌اند، اما در گذر زمان نسخه‌های آن دچار تصحیف، تحریف و اختلاف شده و لازم است گزارش‌های منقول از سلیم بن قیس در نسخه‌های مختلف را در بوته نقد نهاد. می‌توان گفت که با توجه به شهرت گزارش سلیم بن قیس درباره امامان دوازده‌گانه و اشاره به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نسخه‌های مختلف، این مقدار برای ما قطعی بوده و اصالت گزارش‌های مهدوی به دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله باز می‌گردد.

منابع

۳۸. ابراهیم، فرات بن (۱۴۱۰ق)، *تفسیر الفرات*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
۳۹. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، اول.
۴۰. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، دوم.
۴۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *الاعتقادات*، قم، کنگره شیخ مفید، دوم.
۴۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۹ق)، *المطالب العالیة بیروانید المسانید الثمانيّة*، ریاض، دارالعاصمة.

۴۳. ابن زبير، مجاعة (۱۴۲۳ق)، من حديث أبى عبيدة مجاعة بن الزبير العنكى البصرى، بى جا، دارالبشائر الإسلامية، اول.
۴۴. ابن شاذان، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق)، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والأئمة، قم، مدرسه امام مهدي عليه السلام.
۴۵. ابن طاوس، على بن موسى (۱۴۱۶ق)، التشریف بالمنن فى التعريف بالفتن، بى جا، مؤسسه صاحب الامر.
۴۶. ابن عساكر، على بن الحسن (۱۴۱۵ق)، تاريخ مدينة دمشق، بيروت، دارالفكر.
۴۷. ابن نديم، محمد بن اسحاق (بى تا)، الفهرست، بيروت، دارالمعرفة.
۴۸. أبى حاتم، عبدالرحمن (۱۲۷۱ق)، الجرح والتعديل، بيروت، دار إحياء التراث العربى، اول.
۴۹. أبى شيبه الكوفى، عبدالله بن محمد بن (۱۴۰۹ق)، المصنف فى الأحاديث والآثار، رياض، مكتبة الرشد، اول.
۵۰. استادى، كاظم (۱۴۰۰ش)، «بررسى انتساب سند كتاب سليم به شيخ طوسى»، فصل نامه علوم حديث، شماره ۹۹.
۵۱. استرآبادى، محمد على (۱۴۲۲ق)، منهج المقال، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۵۲. آقا بزرگ طهرانى، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، بيروت، دارالاضواء.
۵۳. برقى، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم، دارالكتب الاسلامية، دوم.
۵۴. بيهقى، ابراهيم بن محمد (۱۴۲۰ق)، المحاسن والمساوى، بيروت، دارالكتب العلمية.
۵۵. تسترى، محمد تقى (۱۴۱۸ق)، قاموس الرجال، قم، نشر اسلامى، سوم.
۵۶. جلالى، «روش ابن غضائرى در نقد رجال»، فصل نامه علمى پژوهشى مطالعات اسلامى، ش ۶۵ و ۶۶.
۵۷. حلى، حسن بن يوسف (۱۴۰۱ق)، اجوبة المسائل المهنائية، قم، خيام، اول.
۵۸. حلى، حسن بن يوسف (۱۴۱۱ق)، خلاصة الاقوال، نجف، دارالذخائر، دوم.
۵۹. خواجوى، (محمد) اسماعيل (۱۴۱۳ق)، الفوائد الرجالية، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، اول.
۶۰. خويى، سيد ابوالقاسم (۱۴۰۳ق)، معجم رجال الحديث، بيروت، مدينة العلم، سوم.
۶۱. شبلى، محمد بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، محاسن الوسائل فى معرفه الاوائل (مع تعليقات «السويينى» عليه)، بيروت، دارالنفائس.
۶۲. صفار، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، قم، مكتبة آيت الله المرعشى، دوم.

٦٣. الصنعاني، عبدالرزاق بن همام (١٤٠٣ق)، *مصنف عبدالرزاق*، بيروت، المكتب الاسلامي، دوم.
٦٤. طبري آملی، محمد بن جرير (١٤١٩ق)، *المستشهد*، قم، كوشانيور.
٦٥. طوسي، محمد بن حسن (١٤١١ق)، *كتاب الغيبة*، قم، دارالمعارف الاسلامية. اول.
٦٦. طوسي، محمد بن حسن (١٤٢٥ق)، *فهرست كتب الشيعة واصولهم*، قم، مكتبة محقق طباطبائي.
٦٧. عاملي، سيدجعفر مرتضى (١٤٢٤ق)، *بيان الاثمة وخطبة البيان في الميزان*، بيروت، المركز الاسلامي للدراسات.
٦٨. عياشي، محمد بن مسعود (١٣٨٥ق)، *تفسير*، تهران، دارالمطبعة.
٦٩. الغضائري، احمد بن حسين (١٣٦٤ش)، *الرجال*، قم، دارالحديث، دوم.
٧٠. كاظمي، عبدالنبي (١٤٢٥ق)، *تكملة الرجال*، قم، انوار الهدى.
٧١. كشي، محمد بن عمرو (١٤٠٩ق)، *اختيار معرفة الرجال*، مشهد، دانشگاه مشهد.
٧٢. كلبرگ، اتان (١٣٧٤ش)، «از اماميه تا اثني عشرية»، ترجمه: محسن الويري، *مجله دين و ارتباطات*، شماره ٢.
٧٣. كلبرگ، اتان؛ بهرامي، محمد حسين؛ عربشاهي، زينب السادات (١٣٩٥ش)، «ترجمه و نقد مقاله حديث شيعه»، *مجله حديث حوزة*، شماره ١٢.
٧٤. كليني، محمد بن يعقوب (١٤٢٩ق)، *الكافي*، قم دارالحديث.
٧٥. كليني، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، *الكافي*، ترجمه: علي اكبر غفاري و محمد آخوندي، تهران، دارالكتب الاسلامية، چهارم.
٧٦. مجلسي، محمد باقر (١٤٠٣ق)، *بحار الانوار*، بيروت، داراحياء التراث العربي، چاپ دوم.
٧٧. مدرسي، سيد حسين (١٣٨٦ش)، *مکتب در فرآيند تکامل*، تهران، انتشارات كوير، سوم.
٧٨. مدرسي، سيد حسين (١٣٨٦ش)، *ميراث مکتوب شيعه*، از سه قرن نخستين هجري، قم، مورخ، اول.
٧٩. مزي، يوسف بن زكي (١٤٠٥ق)، *تهذيب الكمال*، بيروت، مؤسسة الرسالة، اول.
٨٠. مسعودي، علي بن الحسين (بي تا)، *التنبيه والاشراف*، قاهره، دارالصاوي.
٨١. معارف، مجيد؛ خان بابا، مزگان (١٣٩٤ش)، «بررسی و نقد متفردات كتاب سليم بن قيس الهمالي»، *فصل نامه علوم حديث*، دوره ٢٥، شماره ٧٦.
٨٢. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٣ق)، *الفصول المختارة*، قم، كنگره شيخ مفيد، اول.

۸۳. مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق)، *المقنعة*، قم، لمؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۸۴. مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق «ب»)، *تصحیح الاعتقادات الامامية*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۸۵. المقدسی، محمدبن أحمد (۱۹۸۰م)، *احسن التقاسیم*، دمشق وزارة الثقافة، اول.
۸۶. المناوی، عبدالروف (۱۴۰۸ق)، *التیسیر بشرح جامع الصغیر*، ریاض، مكتبة امام شافعی، سوم.
۸۷. نجاشی، احمدبن علی (۱۴۱۸ق)، *رجال*، قم، نشر اسلامی، ششم.
۸۸. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، اول.

۸۹. نوری، میرزا حسین (۱۴۱۷ق)، *خاتمة مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسة آل البيت علیہ السلام.

۹۰. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم*، قم، الهادی، اول.

54. <https://archive.org/details/muhammedanisches00gold/page/n77>

55. <http://ansari.kateban.com/post/3337>

56. Hommage à Etan Kohlberg. Brepols, Turnhout, 2009: p.33–48.

57. <https://www.brepolsonline.net/doi/10.1484/M.BEHE-EB.5.100127>

58. By Mohammad Ali Amir-Moezzi, Translated by Eric Ormsby, USA, Columbia University Press, 2015, 296pp